



راهکارهای اسلامی سازی علم حقوق / علم حقوق اسلامی ترین شاخه علوم انسانی است

مدیر گروه حقوق پژوهشگاه بین المللی المصطفی(ص) و عضو هیات علمی دانشگاه قم گفت: در ایران علم حقوق نسبت به سایر رشته های علوم انسانی، اسلامی ترین علوم است ...

مدیر گروه حقوق پژوهشگاه بین المللی المصطفی(ص) و عضو هیات علمی دانشگاه قم گفت: در ایران علم حقوق نسبت به سایر رشته های علوم انسانی، اسلامی ترین علوم است چرا که ریشه در مبانی اسلامی دارد. به گزارش خبرگزاری مهر، دانش حقوق یکی از دانش های بنیادین اجتماعی است که رشد و رفع نواقص آن باعث بالندگی اجتماع خواهد شد. دومین کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی که 26 و 27 آبان ماه با هدف گردهمایی اندیشمندان مسلمان داخلی و خارجی به منظور نقد علوم انسانی غربی رایج و هموار نمودن راه دست یابی به علوم انسانی اسلامی برپا می شود، بهانه ای شد تا در خصوص این دانش و لزوم و چگونگی تحول علوم انسانی در زمینه حقوق، با حجت الاسلام محسن ملک افضلی مدیر گروه حقوق پژوهشگاه بین المللی المصطفی(ص) و عضو هیات علمی دانشگاه قم به گفتگو بنشینیم. آنچه می خوانید حاصل این گفتگو است:

***علم حقوق رایج در کشور ما تا چه اندازه با منابع اسلامی مطابقت دارد؟ آیا کاملاً اسلامی است یا وارداتی و محصول تفکر دیگران؟**

حقوق جمهوری اسلامی در ذیل نظام حقوق اسلام قرار گرفته است و باید مبانی، اهداف، روش ها و مسائل آن مبتنی بر احکام و موازین اسلامی باشد و علی القاعده تلاش قانونگذار و شورای نگهبان این است که هیچ یک از قوانین به تصویب رسیده، بر خلاف اسلام نباشد؛ اما از جهت دیگر در عرصه بحث از مسائل حقوقی همچون قانون مجازات اسلامی و حقوق مدنی، همواره موارد شرعی در آنها مد نظر است بنابراین اصولاً در مسائل حقوقی که ریشه در مبانی دینی دارد، شکی نیست که این حقوق اسلامی است، اما در برخی زمینه ها، در فقه اسلام یا مبانی دین اسلام سابقه ای در آن خصوص وجود نداشته مانند حقوق تجارت، حقوق بین الملل و حقوق عمومی به معنای امروزی آن که پیرامون مسائل نو و جدید بوده و از غرب گرفته شده است که ممکن است با مبانی اسلامی سازگاری نداشته باشد.

به طور مثال در زمینه حقوق عمومی مساله حاکمیت و حکومت در غرب و حتی برخی جوامع اسلامی، ریشه در آموزه های لیبرالیستی و مادی گرایی غربی دارد که آنها حاکمیت متافیزیک و در واقع الهی را باور نداشته و این با مبانی اسلام در تضاد است چرا که آنها حکومت و حاکمیت را از آن ملت و مردم می دانند در صورتی که ما طبق آیه قرآن حکومت را از آن خدا می دانیم و او نه تنها بر انسان بلکه بر تمام جهان و هستی حکومت دارد. (این موضوع در اصل 56 قانون اساسی ما تصریح شده است)

پس در علم حقوق کشور ما بسیاری از گزاره ها و مفاهیم حقوقی ریشه در مبانی اسلامی دارد و غالب قوانین مانند قوانین مدنی، مجازات اسلامی و ... ناشی از قوانین اسلامی است و به ضرس قاطع می توان گفت در ایران علم حقوق نسبت به سایر رشته های علوم انسانی، اسلامی ترین علوم است چرا که ریشه در مبانی اسلامی دارد، اگر چه برخی از مسائل آن متأثر از مبانی غربی بوده اما خوشبختانه پس از انقلاب تلاش های بسیاری شد که این موارد نیز به اسلامی شدن نزدیک شود.

***برای اسلامی سازی این مباحث از علم حقوق که به اصطلاح جامانده اند و هنوز کاملاً مبانی دینی در آنها نفوذ نکرده است، چه باید کرد و چه راهکاری پیشنهاد می کنید؟**

در این زمینه در هر رشته ای باید متخصصان آن اظهار نظر کنند به طور مثال در بحث حقوق تجارت باید دید آیا این اسناد و شرکت های بازرگانی تا چه میزان با مبانی دینی منطبق هستند و ... اما به طور کلی در مورد اسلامی سازی علوم با توجه به تجربه ای که به دست آمده باید چند حلقه بهم پیوسته تحقق یابد؛ یکی از این حلقه ها تدوین منابع علوم انسانی بر اساس مبانی دین است؛ دومین حلقه تربیت مربیان و مدرسانی است که مسلط و آگاه بر مبانی دینی برای تدریس منابع علوم انسانی اسلامی هستند و حلقه سوم دانشگاه ها است که باید زمینه تغییر برنامه های علوم انسانی موجود را به سمت اسلامی کردن فراهم کنند. اما مهمترین حلقه این مساله که متأسفانه مغفول هم مانده این است که این حرکت هر چند نسبت به گذشته روان تر و بهتر شده اما به طور کلی حرکت آن کند است که باید آن را سرعت بخشید. اما حلقه بعدی خواست حاکمیتی است؛ دولت به عنوان دولت اسلامی باید از دانشگاه ها و برنامه ریزان علوم انسانی، اسلامی شدن آن را مطالبه کند. اگر هر یک از این حلقه ها نباشد ما نمی توانیم به اسلامی سازی علوم انسانی دست یابیم.

متأسفانه ما به جای پرداختن به زیربناها و استخراج مبانی دینی و تزریق آن به علوم انسانی موجود، به روبناها و آرایش ظاهر در احکام جزیی پرداخته ایم؛ مثلاً در مساله مدیریت، آن بُعد از مدیریت غربی یا علوم سیاسی آنها را که می پسندیم جدا می

کنیم و روایت یا آیه پیدا می‌کنیم آن را با این روایت و آیه تزیین می‌کنیم و به جامعه ارائه می‌دهیم و می‌گوییم فلان متفکر در این زمینه اینچنین گفته که در روایت ما هم موجود است؛ این کار در واقع نوعی کاهش اعتبار روایت ماست و ما در تایید حرف دیگران روایات خود را خرج کنیم!

*** اصلی‌ترین نقطه تضاد و حساسی که حقوق اسلامی با حقوق غربی پیدا می‌کند کجاست؟**

مهمترین نقطه تضاد حقوق اسلام و غیر اسلامی برمی‌گردد به اهداف نظام‌ها؛ هدف غرب از تدوین حقوق انسانی سامان دادن به زندگی مادی و دنیایی مردم است و نگاه مادی‌گرایانه به حقوق دارد و آن را برای منفعت این دنیا ایجاد و به اجرا درمی‌آورد. اما در اسلام هدف غایی و نهایی از ایجاد قوانین حقوقی سعادت و کمال انسان است که هم حیات مادی هم حیات اخروی و در واقع بُعد روحانی و جسمانی او را در نظر می‌گیرد.

*** وجه اشتراک علم حقوق اسلامی و حقوق غربی در کجاست؟**

وجه اشتراک این دو حقوق این است که هر یک بر اساس مبانی مشخص و معین طراحی شده و همه اینها برای ایجاد نظم و امنیت در جامعه هستند و برای اختلال‌کنندگان نظم مجازات تعیین می‌کنند و در واقع به نوعی پیشرفت اجتماع مورد نظر آنهاست.

*** برپایی کنگره بین‌المللی علوم انسانی اسلامی تا چه اندازه می‌تواند در این زمینه مؤثر باشد و در جریان اسلامی‌سازی صد در صد علم حقوق تسریع ایجاد کند؟**

این کنگره جنبه فرهنگ‌سازی دارد و در صورتی موفق می‌شود که نتایج آن را به صورت کمی و ملموس در اختیار همه متولیان و اندیشمندان و صاحب‌نظران قرار دهد به گونه‌ای نتایج این کنگره و امثال آن در قالب بخش‌نامه از طریق مسوولان به حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، نهادهای مربوطه و ... برای عملیاتی‌سازی ابلاغ شود و گرنه این که برای مدتی طوفانی به پا کنیم و دوباره همان روند همیشگی و موازی‌کاری و تکرار، راه به جایی نخواهیم برد. از اوایل انقلاب نهادهایی مانند دفتر همکاری حوزه و دانشگاه که امروز به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تبدیل شده، موسسه امام خمینی (ره)، فرهنگستان علوم و نهادهای حوزی در صدد بوده‌اند این امر را تحقق بخشند اما از یک طرف سیاست‌های کلان و راهکارهای مشخص وجود نداشته و از طرف دیگر در این زمینه سلیقه‌ای عمل شده است. بنابراین زمانی کنگره مؤثر خواهد بود که بتواند دستاوردهای خود را عملیاتی کند.

کلید واژه‌های مطلب: وضع علوم انسانی کشور | تحول علوم انسانی | استاد دانشگاه قم |